

فقهی می تواند وارد سیاست گذاری شود که از سطح تجویز فراتر رود و بر اساس منابع گسترده خود خطوط کلی و مسائل را تبیین و تدوین کند



حجت الاسلام علی فرحانی



حجت الاسلام مهدی سلطانی

جدی قرار گیرد و انصافاً هم این مدل فرهنگ همان است که امروز هم در دنیا بدان می گویند فرهنگ و ما اگر این را درست مهندسی معکوس کنیم می توانیم به سیاست گذاری فرهنگی مطابق میل رسول الله (ص) نائل شویم.

با توجه به این نکته که رویکرد اساسی نبوت همین سیاست گذاری فرهنگی و تغییر ساختار فرهنگ جامعه بوده است، چه نسبتی باید میان فرهنگ و فقه برقرار شود یا در واقع سیاست گذاری دینی در عرصه فرهنگ چه ساختاری دارد؟

سلطانی: گام اول سیاست گذاری تعویق است؛ یعنی سیاست گذار بین نظر و عمل خود فاصله ایجاد می کند تا بعد بتواند از ضرورت های روزمره ای که به وجود می آیند فاصله پیدا کند و بتواند، با تأملی، دوباره آن ها را صورت بندی کند و مجدداً دست به عمل بزند. در اینجا وقتی دست به عمل می زند همراه با نوعی آگاهی است. در نظریه جهان های اجتماعی که مبتنی بر نگاه صدرایی است نیز تعویق شکل یافته است. آقای پارسانیا ایده سه جهان فلسفی را مطرح می کند: جهان اول جهان نفس الامر است. جهان دوم جهان عالم و اندیشمند است و جهان سوم جهان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است.

مسئله در سیاست گذاری این است که چطور جهان سوم را نظراً و عملاً به جهان اول نزدیک کنیم. در این ساختار فکری، سیاست گذار می تواند در جایگاه جهان دوم بایستد و با تعویق عمل خود مشاهده کند که جهان سوم چه نسبتی با جهان اول

در باب فرهنگ سازی یا سیاست گذاری فرهنگی اما، هرچند در زمان رسول الله (ص) خیلی از احکام قانون گذاری نشده بود، اما به نظر من در حوزه فرهنگ رسول الله (ص) فرهنگ را از طریق ساختار خاص خودشان در حکومت و مدیریت جامعه نهادینه کرد و خروجی های آن را هم گرفته است. نبی مکرم اسلام (ص)، قبل از آنکه نقش شارع داشته باشد، سیاست گذار فرهنگی بوده و سیاست های خاص خود را اجرا کرده و به نتیجه رسانده است. پیامبر به عنوان یک حکمران کنش گرا اصلی حوزه فرهنگ است و از سیاست تا اجرا و نتیجه را هم طی کرده است. این خط روند اتفاق افتاده است و ما یک معرفت درجه دوم می خواهیم که این را مهندسی معکوس کند. نبی در زمانی که ما مهم ترین شغل او را شاریت می بینیم این وظیفه را در ۲۵۰ سال پخش کرده است، اما راضی نشده است که فرهنگ سازی دو بیست سال طول بکشد، یعنی در حوزه فرهنگ، شارع ما یک دولت مستعجل داشته است. اهتمام او به حوزه فرهنگ از اهتمامش به حوزه تشریح به ظاهر بیشتر بوده است.

رسول الله (ص) قبل از اینکه شارع باشد فرهنگش را امتداد اجتماعی داد و از آن برای جامعه خروجی گرفت. بله، اگر فرهنگ های دیگری را هم که رسول الله می گفتند ادامه می یافت ممکن بود خیلی اتفاقات دیگری رخ دهد، مثلاً فرهنگ تکریم زن؛ «فاطمه بضعت منی». ما شارع مقدس و ائمه معصومین را اصلاً با نگاه فرهنگی مورد مطالعه قرار نداده ایم و آن ها در نگاه فرهنگی، قبل از شاریتشان، پیشرو هستند. منابع غنی و سترگی نیز در منابع اسلامی داریم که می تواند مورد مطالعه